بیدار شـد تا به محل کارش برود، تصور نمی‌کـرد که عصر همان روز دیگر نه خانه‌ای داشـته باشد، نه پدری به‌نام سعید، نه مادری به‌نام فاطمه و نه خواهری به‌نام حدیثه. محمد موسـوی بعدازظهر یکشنبه ۲۵ خردادماه، وقتی خبرهای حمله را شنید که می‌گفتند خیابان شریعتی هدف قرار گرفته، با شتاب خود را به محل رساند. اما آنجا دیگر خانه‌ای نبود؛ او غیر از تلی از خاک و آوار چیز دیگری ندید. سـه موشـک، خانه محمد و سـه خانه دیگر در کوچه‌ای از خیابان شـریعتی را به‌طور کامل با خاک یکسان کرده بودند و حالا از خانـواده چهارنفره آنها، فقط محمد زنده مانده اسـت. محمد و بیتا، خواهر سعید موسوی، تمام شـب را در سردخانه‌ها، از سالن معراج بهشت زهرا تا پزشکی قانونی کهریزک، به دنبال عزیزان‌شان گشتند اما پاسخی نگرفتند.

بیتا موسوی، خبرنگار باسابقه فرهنگی که حالا برادر، همسر بـرادر و دختر آنها را از دسـت داده، در این بـاره به «هم‌میهن» می‌گویـد، سـربازان پزشـکی قانونـی کهریزک هـر ۱۰ دقیقه می‌آمدنـد و می‌گفتند، برو مـادرت را بیاور تا نمونه DNA بدهد که: «جنازه‌هایـی داریم بی‌نام، با چهره‌هایی له‌شـده که قابل شناسـایی نیسـتند.» او می‌گوید، محمد وقتی به محل انفجار رسـیده، مأمـوران از او کارت ملـی خواسـته‌اند و بعـد از تأیید هویت‌اش اجازه ورود داده‌اند. صحنه‌ای که محمد برای همیشه به‌خاطر خواهد سپرد، دیدن پیکر بی‌جان حدیثه بود: «موهایش روی صـورت خون‌آلودش افتاده بود، اما محمد او را شـناخت؛ همان لحظه کـه او را روی برانکارد می‌بردند.» محمد موسـوی و فاطمه موسـوی، هردو بازنشسته و دخترشـان آمنه (حدیثه) موسوی، کارمند شرکتی خصوصی در تهران بود.

یک درخت «مهری» را نجات داد

یک درخت، مهری را نجات داد. آن شب که انفجار، اتاق‌خواب خانه مهری و مجید را در شـب سـالگرد ازدواج‌شـان، در مجتمع ارکیده شـهرآرا تهران خراب و آن‌هـا را از پنجره به بیرون پرت کرد، یک درخت دست به کار شد؛ شاخه‌هایش زیر کتف دررفته مهری و دور جنین چهارماهه‌اش حلقه زدند و آن‌ها را تا صبح، میان آسمان و زمین، بی‌صدا در آغوش کشـیدند. همان درختی که درست زیر سـایه‌اش، پیکر بی‌جان مجیـد آرام گرفته بود. مهـری، از حوالی سـه بامداد ۲۳ خردادماه تا سـاعاتی بعد که امدادگران رسیدند، چشـم از پیکر همسـرش برنداشـت. او را می‌دید که بی‌حرکت و بی‌صداست اما باور نمی‌کرد که دیگر جانی در بدنش نیست. مرگ، میان شاخه‌های یک درخت و سایه آرامِ ریشه‌اش، زندگی را از یکی گرفت و دو جان دیگر را بخشید؛ تا فردا که پیکر مجید جواهری را در بهشت زهرا به خاک بسپارند.

دلارام، خواهـرزاده مجید که حالا داغدار تنها دایی‌اش اسـت به «هم‌میهن» می‌گوید، مجید جواهـری متولد ۱۳۵۹، مهندس عمران بود و در پژوهشـگاه علوم انسانی کار می‌کرد: «در کنار آن، کار بازسازی سـاختمان و نجاری هم انجام می‌داد. مادرم همیشه می‌گفت از کودکی، همـه کارهای فنی خانه با مجید بود. بعدها، با گشـت‌وگذار در یوتیوب، علاقه‌اش به کارهای فنی بیشـتر هم شد. تازه می‌خواست از پژوهشگاه استعفا بدهد و تمام‌وقت به کار ساختمانی مشغول شود.»

یک درخت، مهری را نجات داد. آن شب که انفجار، اتاق‌خواب خانه مهری و مجید را در شب سالگرد ازدواج‌شان، در مجتمع ارکیده شهرآرا تهران خراب و آن‌ها را از پنجره به بیرون پرت کرد، یک درخت دست به کار شد؛ شاخه‌هایش زیر کتف دررفته مهری و دور جنین چهارماهه‌اش حلقه زدند و آن‌ها را تا صبح، میان آسمان و زمین، بی‌صدا در آغوش کشیدند. همان درختی که درست زیر سایه‌اش، پیکر بی‌جان مجید آرام گرفته بود. مهری، از حوالی سه بامداد ۲۳ خردادماه تا ساعاتی بعد که امدادگران رسیدند، چشم از پیکر همسرش برنداشت

دلارام می‌گوید، مجید و همسـرش مهری دهشـیری، متولد ۱۳۶۷ که معمار بود، از وقتی ازدواج کرده بودند با هم کار مشترک می‌کردند: «دایی سـه ساله بود که پدرش فوت شـد. او پدرش را نشـناخت، همانطور که دیگر پسرش را هم نخواهد دید. خیلی از این‌که دارد بچه‌دار می‌شـود ذوق‌زده بود. مادرش را هم در کرونا از دست داد. او ستون فامیل ما، عاشق سفر، طبیعت و عاشق زندگی بود.» مجید و مهری دو سـال پیش در مجتمع ارکیده خانه خریده بودند، بازسازی خانه که تمام شده بود، ازدواج کردند و به این خانه رفتند: «مهری چهارماهه باردار بود و آن شـب اول حمله، اسرائیل یک دانشـمند هسـته‌ای را که در مجتمع آن‌ها زندگی می‌کرده، هدف قرار داد. مجید و مهری در اتاق‌خواب‌شـان خواب بودند که دیوار اتاق کنده می‌شود و آن‌ها به بیرون پرت می‌شوند. مهری جزو معدود بازماندگان ساختمان‌شان اسـت. بعد از یک‌روز امدادگران به ما گفتند برای پیدا کردن مجید بروید بیمارسـتان رسـول اکرم. خانواده به بیمارستان رفتند ولی پیدایش نکردند، رفتند کهریزک ولی آنقدر تعداد کشته‌شـده‌ها زیاد بود که طول کشـید پیدایش کنیم. تـا اینکه دیروز خانـواده در همان کهریزک شناسـایی‌اش کردند.» به مهری دهشـیری که از اولین شـب حمله اسـرائیل به ایران جان به‌دربرده تازه امروز گفته‌اند که دیگر مجید نیست؛ دلارام می‌گویـد مادرش، خواهر مجید این خبر را به مهری داده: «مادرم هم اصلاً حالش خوب نیست. او خواهرش را هم چندسال پیش از دست داد. مادربزرگم هم در دوران کرونا فوت شد.»

او از رنجی دیگر هم می‌گوید؛ رنجی مجازی اما واقعی: «در این روزهای عزاداری، دیدن پسـت‌ها و نظراتی که قربانیان غیرنظامی را «غیرعادی» یا «وابسـته» می‌دانند، برای من و خانواده‌ام بسیار آزاردهنده بوده است. دایی من، مجید، فقط یک آدم معمولی بود. کسی که عاشق ساختن بود، نه جنگیدن. این ساختمان، پُر بود از خانواده‌هایی که دیگر در میان ما نیسـتند؛ انگار هر عکسی که از کشته‌شده‌های این جنگ منتشر می‌شود، می‌شود ملک مردم که هر قصه‌ای را برایشـان می‌چینند. جهان باید بداند که این جنگ، فقط نظامیان و اهداف خاص را نمی‌کشـد؛ زندگی‌های عادی را، خانواده‌های بی‌دفاع را هم نشانه رفته است.»

آن خانه، دیگر نیست

احمدرضا ذوالفقاری، استاد فیزیک هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی، ۶۰ ساله، ساکن یکی از واحدهای مجتمع پاتریس لومومبا بود؛ همان سـاختمانی که در همان شب نخست حمله اسرائیل به تهران، هدف حمله مستقیم قرار گرفت. در آن شـب، احمدرضا، همسرش پروانه و پسر ۳۳ ساله‌شـان محمد در خانه بودند و هر سـه، در همان خانه جان باختند.

«پیمـان اکبرنیـا»، خواهـرزاده احمدرضا ذوالفقـاری در گفت‌وگو بـا «هم‌میهن» می‌گویـد: «ما طبقه پاییـن دایی‌ام زندگی می‌کردیم؛ من و همسرم. آن شب، خوشبختانه در سفر بودیـم. صبح روز حادثه، وقتی از خواب بیدار شـدم، دیدم در شبکه‌های اجتماعی ویدئوهایی منتشـر شده که خانه‌مان را ویران نشان می‌داد. همان‌جا متوجه شدیم. تماس‌های زیادی هم شـروع شد. مادرم و خاله‌هایم هم با ما در سفر بودند. همه شوکه شـده بودیم، اما امیدوار؛ امیدوار که شاید معجزه‌ای رخ دهد... اما نشـد. هیچ‌کس از ساختمان ما زنده بیرون نیامد. خانه‌های اطراف هم به‌شدت آسیب دیدند. کل خانه و زندگی من و همسرم نابود شد.»

او درباره دایی‌اش می‌گوید: «دایی آدم آرام و خیری بود. تا جایی که من می‌دانم، فقط در دانشگاه شهیدبهشتی تدریس می‌کرد و در هیچ نهاد دیگری شاغل نبود.»

جسد پروانه، همسر احمدرضا، همان صبح از زیر آوار بیرون آورده شـد اما پیکـر احمدرضا و محمد، دو روز بعد پیدا شـد. هنوز مراسـم خاکسـپاری هیچ‌یک برگزار نشده است. پیمان درباره محمد می‌گوید: «محمد، پسـردایی‌ام، فارغ‌التحصیل مهندسی برق از دانشگاه شریف بود؛ برنامه‌نویس، اهل سفر، طبیعت‌دوست و بسیار اهل مطالعه. او ایران را دوست داشت، اما منتقد هم بود. دلش برای مردم و آینده کشـور می‌سوخت. محمد دنبال اصلاح بود و دنبال روشـنایی برای ایران.» پیمان می‌گوید: «در این روزهای جنگ و سوگ، تنها چیزی که باید به آن فکر کنیم این است که ایران، ایران بماند.»

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک آذربایجان غربی
آگهی فقدان سند مالکیت
شناسه آگهی: ۱۹۵۰۲۲۴

نظر به اینکه آقای جلال هادی فر فرزند احمد به شماره ملی ۲۸۹۹۲۴۷۵۴۹ به استناد ۲ برگ استشهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت یک فقره سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت کاداستر شش‌دانگ یک باب ساختمان مسکونی به مساحت ۲۰۰ مترمربع به شماره پلاک ۱۷۹۵ فرعی از ۲۸-اصلی واقع در پیرانشهر- نقطه ث-کارکنان دولت بخش ۲۲-ارومیه؛ که متعلق به نامبرده می‌باشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است که با بررسی پرونده ثبتی معلوم شد سند مالکیت کاداستر شش‌دانگ پلاک فوق ذیل به شماره چاپی ۵۲۹۶۴ الف ا ه شماره دفتر املاک الکترونیک ۱۴۰۲۲۰۳۱۳۰۰۸۰۰۱۳۷۰ به نام نامبرده ثبت و صادر گردیده است. پرونده ثبتی بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه اصلاحی قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. تاریخ انتشار: روز سه‌شنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۳/۲۷

حبیب الهامی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک پیرانشهر

شرکت ملی نفت ایران
شرکت پایانه‌های نفتی ایران (سهامی خاص)

آگهی فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران
مناقصه شماره م.ع.پ/۱۴۰۴/۰۰۴ به شماره سامانه ستاد ۲۰۰۴۰۹۱۶۴۵۰۰۰۰۳۳
نوبت دوم

شرکت پایانه‌های نفتی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد انجام خدمات موضوع مناقصه را با در نظر گرفتن شرایط کلی زیر و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)، به صورت فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران به مناقصه‌گر واجد شرایط واگذار نماید:

الف) کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه‌گران دارای صلاحیت، ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند. خاطرنشان می‌سازد به موجب بخشنامه وزارت صمت امکان ثبت‌نام بر خط رایگان در این سامانه جهت کلیه مناقصه‌گران فراهم می‌باشد.
شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۰۲۱۱۴۵۶ و اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام در سایر استان‌ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش «ثبت‌نام/پروفایل تامین‌کننده/مناقصه‌گر» موجود است.

ب) نوع فراخوان: مناقصه عمومی توأم با ارزیابی کیفی جهت انتخاب مناقصه‌گر واجد شرایط به منظور انجام خدمات موضوع مناقصه/یک مرحله‌ای

ج) نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: تهران- خیابان پاسداران- بالاتر از برج سفید- خیابان شهید حجت سوری (نیستان هفتم) پلاک ۱۱- شرکت پایانه‌های نفتی ایران (سهامی خاص)

د) موضوع مناقصه: پروژه احداث ساختمان خوابگاه یاس ۳ شرکت پایانه‌های نفتی ایران در جزیره خارگ

ه) شرح مختصر پروژه: هدف از اجرای این پروژه احداث ساختمان خوابگاه یاس ۳ شرکت پایانه‌های نفتی ایران واقع در جزیره خارک شامل احداث یک ساختمان دو طبقه به متراژ تقریبی ۱۴۰۰ متر مربع شامل خاکبرداری و اجرای فنداسیون، اسکلت بتنی، سفت کاری، نازک کاری، نماسازی با ترکیب آجر نسوز، سنگ پلاک و پانل‌های بتنی پیش ساخته GFRC، اجرای پیاده روی پیرامونی و اجرای تاسیسات مکانیکی و برقی مطابق با شرح کار می‌باشد. کارهای اجرایی پروژه تنها محدود به (و یا شامل تمامی) پارامترهای مطرح شده در قسمت «شرح کارهای اجرایی» نبوده و شامل تمامی مواردی خواهد بود که منجر به تکمیل و انجام پروژه گردد.

و) نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار، تضمین انجام تعهدات و حسن انجام کار: ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۲۶٫۹۰۶٫۸۰۵٫۶۲۲ ریال حسب آیین‌نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیأت محترم وزیران، همچنین تضمین انجام تعهدات در صورت برنده شدن به میزان پنج درصد نرخ پیشنهادی برنده مناقصه؛ ضمناً تضامین صادره می‌بایست مطابق فرمت‌های نمونه پیوست آیین‌نامه مذکور ارائه گردد؛ لذا این شرکت از پذیرش تضامینی که فاقد شرایط فوق باشد معذور بوده و هیچ‌گونه مسئولیت و تعهدی در این خصوص، نخواهد داشت. شایان ذکر می‌باشد پس از انعقاد قرارداد، به میزان ۱۰ درصد از هر صورت وضعیت مناقصه‌گر برنده به عنوان تضمین حسن انجام کار کسر می‌گردد.

ز) محل، مدت زمان اجرای پروژه و برآورد مناقصه‌گزار: محل اجرای پروژه موضوع مناقصه واقع در شرکت پایانه‌های نفتی ایران در جزیره خارگ و مدت انجام قرارداد ۱۸ (هجده) ماه شمسی و دوره نگهداری به میزان ۱۲ (دوازده) ماه شمسی و برآورد مناقصه‌گزار ۵۳۸٫۱۳۶٫۱۱۲٫۴۴۹ (پانصد و سی و هشت میلیارد و یکصد و سی و شش میلیون و یکصد و دوازده هزار و چهارصد و چهل و نه) ریال می‌باشد.

ح) مدت اعتبار پیشنهاد: مدت اعتبار پیشنهاد مالی از تاریخ ارائه پیشنهاد به مدت ۱۸۰ روز می‌باشد.

ط) گواهی‌ها و مدارک مورد نیاز:
۱- داشتن گواهینامه صلاحیت پیمانکاری حداقل پایه رتبه ۵ در رشته ابنیه از سازمان برنامه و بودجه کشور
۲- دارا بودن شخصیت حقوقی.
۳- ارائه گواهی‌نامه تایید صلاحیت پیمانکاری از نظر ایمنی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در زمان عقد قرارداد با مناقصه‌گر برنده الزامی می‌باشد.
۴- ارائه شناسه ملی حسب ماده ۱۶ آیین‌نامه اختصاص شناسه ملی به کلیه اشخاص حقوقی ایرانی.
۵- ارائه تصویر مصدق کد اقتصادی شرکت و کد ملی صاحبان مجاز امضاء
۶- ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و یا اعضای جامعه حسابداران رسمی.

ی) زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد ارزیابی کیفی:
۱) با عنایت به ابلاغیه شماره ۱/۱۴۰۹۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۱ دبیر محترم کارگروه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و تاکید موکد بر الزام به کارگیری امضای الکترونیکی اسناد پاکت‌های (ب) و (ج) و عدم پذیرش نسخ فیزیکی و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهرگرم)، کلیه مناقصه‌گران موظف می‌باشند تمامی اسناد پاکت‌های (ب) و (ج) مناقصه را با امضاء الکترونیکی و در موعد مقرر در اسناد مناقصه از طریق سیستم سامانه ستاد بارگذاری نمایند در غیر اینصورت مناقصه‌گزار از پذیرش نسخه فیزیکی اسناد پیش گفته معذور خواهد بود.
۲) کلیه مناقصه‌گران واجد شرایط می‌توانند به مدت ۷ روز از زمان درج آگهی نوبت دوم نسبت به دریافت اسناد و معیارها و جداول ارزیابی کیفی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام و ظرف مهلت ۱۴ روز پس از انقضای مهلت دریافت اسناد، ضمن تکمیل، مهر و امضای آن‌ها و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد، مدارک و گواهینامه‌های ذکر شده در آگهی نسبت به تغذیه اسناد پیش گفته در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند.
همچنین مناقصه‌گران می‌توانند جهت رویت آگهی به سایت‌های HTTP://IETS.MPORG.IR WWW.SHANA.IR و WWW.IOTCO.IR مراجعه نمایند.
۳) مناقصه‌گزار در رد یا قبول مدارک در تمام مراحل مطابق قانون برگزاری مناقصات و آیین‌نامه‌های اجرایی آن مختار خواهد بود.

روابط عمومی
شناسه آگهی: ۱۹۴۷۸۹۰

خبرسازان

آمادگی کامل بیمارستان‌ها

معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در ابلاغیه‌ای به معاونان درمان دانشـگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور بر حفظ آمادگی کامل بیمارستان‌ها در پاسخ به حوادث اخیر تاکید کرد. سـجاد رضوی، معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این ابلاغیه بر پذیرش بی‌قید و شرط بیماران و مصدومان در بیمارستان‌ها و همکاری با نیروهای امدادی تاکید کرده اسـت. معاون درمان وزارت بهداشت، همچنین به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی تاکید کرده است که هیچ فعالیت ضروری کاهش پیدا نکند و اولویت با بیماران مصدوم باشد.

یک پزشک متخصص شهید شد

مرضیه عسـگری، اسـتادیار طب نوزادی دانشگاه علوم پزشکی تهران و عضو هیئت‌علمی بیمارستان بهرامی این دانشگاه، در پی حمله تروریستی اسرائیل به محل سکونت او به همراه فرزند خردسـال سه‌سـاله‌اش شهید شدند. عسگری از جمله پزشکان متعهد، متخصص و دلسوز در حوزه فوق تخصص نوزادان بود که عمر خود را وقف خدمت به نوزادان کشور و آموزش نسل آینده پزشکان کرده بود.

اسکان اساتید و دانشجویان

وزیر علوم، تحقیقات و فنـاوری با صدور پیامی خطاب به استادان و کارکنانی که منزل ایشان در حملات اخیر اسرائیل آسیب دیده است، گفت همان‌طور که از دو روز قبل دسـتور لازم داده شده، هر دانشگاهی ملزم است نسبت به اسکان استادان و کارکنان خود که منازل آنان غیرقابل سـکونت شده اسـت، فوراً اقدام کند. در پیام حسین سیمایی‌صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری آمده اسـت: «با عرض تسلیت شهادت سردارانِ اقتدار نظامی و استقلال علمی ایران عزیز و طلب علو درجات برای شـهدای خانواده آموزش عالی و با آرزوی شـفای عاجل برای مجروحان و آسـیب‌دیدگانِ مجتمع سـرو، اینجانـب ضمن همدردی با تمام همکاران و اسـتادان عزیز ساکن در این مجتمع مجدداً به اطلاع می‌رسانم، همان‌طور که از دو روز قبل دسـتور لازم داده شده، هر دانشـگاهی ملزم است نسـبت به اسکان اسـتادان و کارکنان خود که منازل آنان غیر قابل سکونت شده است، فوراً اقدام کند. همچنین وزارت علوم پیگیر اخذ مصوبه از دولت محترم، برای جبران خسارات وارد آمده به منازل همکاران ارجمند است.»

ادامه سرمقاله

واقعیت این اسـت که بخشـی از نیروهایـی که خود را طلبکار مـردم و نظام می‌دانند همچنان در مسـیر یکدندگی و ضدهمبسـتگی ملی حرکـت می‌کنند و تمامی شواهد و مسـتنداتی که رویکردهای ضدملی آنان را نقض می‌کند، منکر می‌شوند و بدتر اینکه آنها را مصادره به مطلوب هم می‌کنند. البته، بر آنان حرجی نیسـت؛ ولی کجا هستند مراجع تصمیم‌گیری که در این شـرایط بحرانی مانع رفتارهای خلاف منافع ملی آنان شوند؟ چرا در برابر کوچکترین رفتارهای جوانان و مـردم عادی حساسـیت وجـود دارد، ولی نسـبت به این گروه اقلیت بی‌مسـئولیت تندرو، تـا این اندازه رواداری پیشـه می‌شـود؟ خلاصه اینکه اگر شـرایط کشور خطیر است که هست، در این صورت باید مراجع قانونی مسئولیت مدیریت امور را بپذیرند. مردم باید و می‌توانند از سیاست‌های رسمی حمایت کنند؛ ولی آیا سـاختار رسمی نیز آمادگی دارد که مجموعه نیروها را وادار به حرکت در مسیر اتحاد و همبستگی کند؟